

سندیکای کارگری - ۱۷
خیزهای بزرگ
جنبش کارگری جهان
در سالهای حضور
اتحاد شوروی در جهان
رضا روستا

برنامه
عمل اتحادیه ها در مرحله کنونی

در راه دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان

پنجمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی که از ۴ تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۱ در شهر مسکو تشکیل یافت یک حادثه مهم در حیات بین المللی سندیکائی بود. قریب هزار نماینده و ناظر و میهمان که نمایندگان ۱۴۳ میلیون زحمتکش متشکل جهان بودند در این کنگره شرکت داشتند. نیمی از نمایندگان مظهر ۱۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر وابسته به فدراسیون سندیکای جهانی بوده و بقیه نمایندگان مظهر ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر وابسته به اتحادیه های بزرگ خود مختار و مراکز وابسته به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد. کنگره بطور کلی با تصویب برنامه حاضر هدف و تلاش فدراسیون سندیکای جهانی و همه جنبش سندیکائی را در مرحله کنونی معین کرد. این برنامه مسائل و هدف مشترک زحمتکشان را در مجموع خود معین میکند و این هدف و مسائل مشترک آنها را در نبرد بزرگ طبقه کارگر جهان متحد مینماید. طبیعی است که سازمان های اتحادیه ها در مبارزه برای اجرای هدفهای مشترک که از این برنامه الهام بگیرد، شرایط مشخص ملی و اجتماعی و سیاسی محیط خود را در نظر خواهند گرفت. در اثر فرا گرفتن تجارب کلی متقابل نهضت بین المللی سندیکائی و تجربه های حیاتی توده های کارگر محلی، تشکیلات سندیکائی هر کشور توسعه و تکمیل خواهد یافت و بر اثر وحدت و ابتکار عمل، کارگران هر کشور در مقیاس جهانی خواهند توانست علیه سرمایه داری و امپریالیزم مبارزه کرده و برای حفظ صلح جهانی کوشش نمایند.

۱) طبقه کارگر جهان قادر است با کمک نیروهای پیشرو مسائل مبرم بشری را حل نماید.

پس از کنگره چهارم فدراسیون سندیکای جهانی (۱۹۵۷) نهضت سندیکائی جهانی توسعه یافته و مستحکم شده است. فدراسیون در اثر فرا گرفتن تجارب جدید مبارزه جهت دفاع از منافع جهانی زحمتکشان مجرب تر و غنی تر گردید. روح مبارزه جوئی طبقه کارگر بالا رفته، وحدت عمل و همکاری سندیکاهای مختلف به قیاس ملی و بین المللی وسیع تر گشته است. سالهای گذشته منعکس کننده مبارزه متحد و مشترک کارگران و زحمتکشان برای حفظ صلح جهانی و

الغای رژیم شرم آور استعمار و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان، آزادی دموکراتیک و حقوق سندیکائی میباشد.

نهضت سندیکای جهانی در حال حاضر یک قوه عظیم به شمار می آید. رشد طبقه کارگر و درجه فهم و معرفت و هوشیاری وی و همچنین درجه تشکل کارگران این حقیقت را روشن مینماید. در سال ۱۹۴۵ تعداد کارگران متشکل در سندیکاهای جهان ۷۰ میلیون نفر بوده است ولی در حال حاضر بیش از ۲۰۰ میلیون کارگران در سندیکاهای کارگری متشکل هستند. فدراسیون سندیکای جهانی که ۱۲۰ میلیون کارگر متشکل سندیکائی را بسوی خود جلب کرده یگانه تشکیلاتی است که کارگران کشورهای با رژیم های مختلف اقتصادی و اجتماعی را دور خود گرد آورده است.

کنگره پنجم فدراسیون سندیکای جهانی در زمانی تشکیل شد که تحولات مهمی در دنیا بعمل آمد و دنیا به دو سیستم مختلف اجتماعی تقسیم شده بود.

جنبش رهائی بخش ملی خلق ها که بوسیله طبقه کارگر بین المللی و تمام هواداران صلح پشتیبانی می گردد چنان موفقیت عظیمی به دست آورده که دایره سلطه امپریالیزم تنگتر میشود.

بین کنگره چهارم و پنجم فدراسیون سندیکای جهانی بیش از ۲۳ کشور مستعمره آزادی و استقلال ملی خود را به دست آوردند. نهضت خلقهای جهان برای حفظ صلح که در آن طبقه کارگر جهان نقش قطعی بازی می نماید توسعه و رشد تازه ای پیدا کرده است. هواداران صلح در اثر عملیات پردامنه موفق به اطفاء آتش ماجراجویانه امپریالیسم و احتراز از جنگ مجدد جهانی شدند.

انحصارها به تجمع و دسته بندی قوای خود مشغول اند، هزینه های نظامی خود را زیادتیر میکنند، استثمار طبقه کارگر و توده مردم را شدیدتر می نمایند و غارت و چپاول کشورهای کم رشد را با شکل های مختلف استعمارنویین از قبیل دادن وام و صدور مستقیم سرمایه توسعه بیشتری میدهند ولی تمام این اقدامات قادر به حل بحران سرمایه داری نیست. بلکه برعکس سیستم سرمایه داری با این عملیات تضاد داخلی خود را عمیق تر می نماید.

سرمایه داری در عصر کنونی از حل مسائل زمان ما عاجز است، زیرا بر اثر ناموزونی رشد خود همواره گرفتار بحران دوره ای خواهد بود. رشد بیکاری بیماری مزمن این سیستم است. این سیستم عدم لیاقت و توانائی خود را در استفاده کامل از نیروهای مولد و تامین توسعه عمومی به ثبوت رسانده است. اکنون در جهان نواحی بسیاری وجود دارد که مردمان و زحمتکشان آن دچار بیکاری، کمی مزد، تهیدستی و گرسنگی هستند. در بعضی از کشورها تا حدودی رشد و توسعه اقتصادی دیده میشود ولی این پیشرفت غیر ثابت و متزلزل است، زیرا که منافع انحصارها بواسطه قدرت دولتها کمی بالاتر میرود و سیاست انحصارها دائر به تشدید استثمار طبقه کارگر عمیق تر می گردد. انحصارها در صدد محدود کردن حقوق سندیکاهای و حقوق دموکراسی و آزادی هستند و در حال حاضر در بسیاری از کشورها آزادی و حقوق دموکراتیک زیر پا گذاشته شده است. تمام این پدیده ها به اشکال مختلف و در مواقع متعدد در کشور عرض اندام میکند و شرایط مشخصی برای مبارزه زحمتکشان و نتایج آن ایجاد می نمایند.

در این شرایط و بدین جهت روح مبارزه جوئی طبقه کارگر بالا میرود و امکان بیشتری پیدا میکند که با قشرهای دیگر اجتماع متحد شده و در مقابل فشار و استثمار انحصارها استقامت کرده و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و دموکراتیک خود را بنفع توده زحمتکش عملی سازد.

انحصارهای امریکا سیاست بزرگترین کشور امپریالیستی را اداره می نمایند و در سایر کشورهای امپریالیستی نیز اعمال نفوذ می نمایند. دولت امریکا مهاجم ترین امپریالیست ها است و خطر آن است که **جنگ جدیدی** را به بشریت تحمیل کند. وی با کشورهای سوسیالیستی مبارزه میکند و نهضت رهایی بخش و استقلال ملی کشورها را خفه کرده و می نماید.

امپریالیست های امریکا آزادی و دموکراسی را هر جا که بتوانند خفه می نمایند و در درجه اول بویژه در داخل کشور خود. بنابراین علت اساسی تشنج بین المللی امپریالیزم امریکا است.

امپریالیزم امریکا در راس ارتجاع جهانی است. او تشکیل دهنده و الهام دهنده سیاست تهاجمی و جنگ است.

سایر کشورهای نیرومند امپریالیست به اتفاق امپریالیست های امریکا از سیاست جنگ سرد پشتیبانی می نمایند. میلیتاریست های آلمان غربی با خلع سلاح عمومی بین المللی مخالفت می ورزند و تجدید نظر در مرزها را علنا مطالبه می نمایند و در تقلا و تلاش برای به دست آوردن سلاح اتمی می باشند. آلمان غربی رفته رفته صلح عمومی و امنیت ملل خطرناک تر میشود و میلیتاریسم ژاپن نیز همان هدف و نظریات آلمان غربی را تعقیب می نماید.

معهدا در اثر تغییر تناسب قوا به نفع اردوی صلح و سوسیالیزم، ترقیات محیرالعقول علم و تکنیک، اسپوتنک و راکتهای قاره پیما و قدرت فوق العاده نظامی شوروی، امپریالیزم امریکا ناچار شد همزیستی را قبول نماید و به انعقاد پیمان مسکو دائر به منع انفجار و آزمایش های اتمی (در هوا، دریا و روی زمین) تن در دهد.

نهضت رهایی بخش ملی خلق های مستعمرات و وابسته به علت موفقیت های بزرگی که بدست آورده باعث تلاشی سیستم مستعمراتی شده است. این نهضت برای مبارزه در راه صلح نقش قاطع بازی میکند. در این میان پیروزی خلق کوبا علیه سیاست استعماری ممالک متحده امریکا و برای دفاع از پیروزی اجتماعی و انقلابی خود دارای معنی و اهمیت خاصی شده است. خطر یک مصیبت عظیم هر آن بیشتر میشود، لذا کارگران و زحمتکشان جهان خود را مجهز می سازند، تمام قوای سندیکائی کارگری که نگران آینده خود و بشریت هستند باید دفاع و حفظ صلح را مرکز فعالیت خود قرار دهند.

همه آنهایی که برای صلح مبارزه میکنند میدانند که ترقی قوای روزافزون کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهان و نهضت آزادی ملی وضع بین المللی را به نفع طبقه کارگر تغییر داده است.

در سایه این امکانات جدید سندیکاها بایستی رابطه بسیار وسیع و نزدیک با تمام سندیکا های کارگری که روی پایه کارگری و ضد امپریالیستی و بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی مشخص کار میکنند برقرار نمایند. وحدت کارگران جهان امکان میدهد که نیروهای ارتجاعی، امپریالیست و جنگ طلب لجام زده شوند و اطمینان قطعی برای حفظ صلح، پیروزی های تازه در راه دموکراسی، استقلال ملی خلقها و ترقی اجتماعی بدست آید.